

نگاهی تحقیقی به مؤلف و کتاب

«فضائل الفاطمة الزهراء (ع)»

تورج اسماعیلی *

چکیده

در مورد شخصیت حضرت زهرا (ع) کتب بسیاری به رشته تحریر در آمده که هر کدام سعی کرده‌اند به بهترین شکل به ترسیم ابعاد شخصیتی این خانم بزرگوار بپردازند آنچه کتاب فضائل فاطمه الزهرا از حاکم نیشابوری را متفاوت از دیگران کرده بیش تر شخصیت نویسنده کتاب است. ایشان در عین اینکه از علمای اهل سنت می باشد برخلاف روال جاری در میان اهل سنت در کتابش به دفاع از شخصیت حضرت زهرا (ع) می پردازد. ایشان در مقدمه کتابش حدیثی می آورند از رسول اکرم (ص) مبنی بر افضلیت حضرت زهرا از زنان این امت که از این خبر با عنوان صحیحه یاد می کند. همچنین احادیث بسیاری از طرق اهل سنت در مورد فضائل حضرت زهرا می آورند که از جمله این روایات می توان به جریان اعطاء فدک به حضرت زهرا توسط پیامبر (ص) و جریان حدیث کساء اشاره کرد. در این مقاله سعی شده احادیث وارد شده در کتاب به صورت کلی بررسی شود همچنین مروری می شود بر سیر زندگی حاکم نیشابوری که در نهایت، سخن با اتمام مذهب حاکم نیشابوری پایان می پذیرد.

واژه‌های کلیدی:

حضرت زهرا (ع)، فضائل، حاکم نیشابوری، اهل سنت.

*. دانش پژوه سطح سه تاریخ اهل بیت (ع)، مؤسسه آموزش عالی امام رضا (ع).

زندگی‌نامه حاکم نیشابوری

«ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه بن نعیم بن الحکم، الضبّی، الطهمانی، النیسابوری، الحافظ، الحاکم، معروف به ابن البیع^۱»، فقیه، محدث و تاریخ نگار معروف در ربیع الاول سال ۳۲۱ق در نیشابور به دنیا آمد^۲.

از سن ۹سالگی تحت نظر پدر و دایی اش شروع به سماع حدیث کرد^۳ و از سن ۱۶سالگی روی به تصنیف نگاری نمود. در زمان دولت سامانیان و در سال ۳۵۹ق به قضاوت شهر نساء منسوب شد و پس از مدتی قضاوت جرجان را به او پیشنهاد کردند که این سمت را نپذیرفت.^۴ در همان ایام به عنوان سفیر دولت سامانی به دربار آل بویه؛ رفت و آمد داشت و در کارهای سیاسی، قضایی و اجتماعی شرکتی فعال می نمود^۵. علت شهرت وی به حاکم، اشتغال او به منصب قضا بود، گرچه حاکم از جمله القابی بوده که محدثان آن را برای کسانی بکار می بردند که به جمیع احادیث از حیث متن و سند و جرح و تعدیل احاطه داشته باشد^۶. حاکم نیشابوری سرانجام پس از ۸۴سال زندگی پر برکت علمی که با تألیفاتی بسیار همراه بود در صفر سال ۴۰۵ق بدرود حیات گفت و در نیشابور به خاک سپرده شد^۷.

شخصیت علمی

حاکم نیشابوری از جمله اعظام محدثان عصر خویش و یکی از بزرگ‌ترین و نام‌آورترین آنان در تاریخ اسلام بوده است، مقام علمی حاکم در حفظ احادیث با اسناد کم واسطه در روزگار خود منحصر به فرد است، چندان که ابو حازم عمر بن احمد

۱. سمعانی، الانساب، تقدیم و تعلیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالحنان، ۱۴۰۸ق، ج ۱ ص ۴۳۲.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغدادی یا تاریخ مدینه السلام، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: دارالمغرب الاسلامی، ۲۰۰۱، ج ۳ ص ۵۱۰.

۳. همان.

۴. عبدالوهاب بن علی سبکی، طبقات الشافیه الکبری، قاهره: محمود محمد طنّاحی، ۱۹۶۴، ج ۴، ص ۱۵۸.

۵. ابن خلکان، وفيات الأعیان وانباء ابناء الزمان، ج ۴ ص ۲۸۱.

۶. علی بن سلطان محمد قاری شرح شرح نخبه الفکر فی مصطلحات اهل الأثر، ج ۱ ص ۱۲۱.

۷. محمد بن محمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام، ج ۹ ص ۹۹.



عبدویی بر آن است؛ همه کسانی که پس از مسلم بن حجاج به حفظ حدیث واگاهی از علل آن شهرت داشتند در روزگار خود بی نظیر و بی بدیل بودند، ولی حاکم در روزگار خود هیچ نظیر و بدلی نداشت^۱ به طوری که ذهبی او را چنین معرفی می کند: «الامام الحافظ، الناقد العلامه، شیخ المحدثین،... وکان من بحورالعلم»^۲، و در مقامی دیگر می گوید: «الحافظ الکبیر، امام المحدثین»^۳ لذا می توان او را بعنوان کسی که گرایش اهل حدیث داشت شناخت.

استادان و مشایخ حاکم

از آنجا که در زمان حاکم، نیشابور یکی از بزرگترین مدارس حدیثی جهان اسلام به شمار می رفت و همچنین به دلیل سفرهای علمی حدیثی حاکم نیشابوری، در کتب تاریخ و اعلام، تعداد استادان وی را بیش از ۱۰۰۰ تن ذکر کرده اند^۴ [البته سبکی تعداد مشایخ حاکم را ۲۰۰۰ نفر می داند که ۱۰۰۰ تن از آنها شیوخ او در نیشابور و ۱۰۰۰ تن دیگر شیوخ وی در دیگر نقاط بوده اند].^۵ که از جمله استادان حاکم می توان به اسامی زیر اشاره نمود:

استادان قرائت حاکم^۶: علی ابن الإمام، محمد بن ابو منصور الصرام، ابوعلی بن النقار [مقرئ الکوفه]، ابو عیسی بکار [مقرئ بغداد].

مشایخ فقهات حاکم^۷: ابوعلی بن ابوهریره، ابوالولید حسان بن محمد، ابوسهل الصعلوکی.

استادان علوم الحدیث حاکم^۸: ابوعلی الحافظ (بغدادی)، الدارقطنی، الجعابو، ابواحمد الحاکم.

۱. عبدالوهاب بن علی سبکی، طبقات الکبری، ج ۴ ص ۱۵۸ و ۱۶۰.

۲. محمد بن محمد ذهبی، تذکره الحفاظ، بیروت: دارالتراث العربی، بی تا.

۳. همان.

۴. همان.

۵. عبدالوهاب بن علی سبکی، طبقات الکبری، قاهره: بی تا، ۱۹۶۴ق، ص ۲۱۲.

۶. محمد بن محمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ج ۹، ص ۹۰.

۷. ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۴، ص ۲۸۰.

۸. همان، ج ۹، ص ۹۰. ۹۱.

ج) شاگردان حاکم^۱: در بین شاگردان حاکم این اسامی به چشم می‌خورد: أبو الفتح بن أبی الفوارس، أبو العلاء الواسطی، محمد بن أحمد بن یعقوب، أبو یعلی الخلیلی، أبوذر الهروی، أبو بکر البیهقی، أبو القاسم القشیری، أبو صالح المؤذن، أبو بکر أحمد بن علی بن خلف الشیرازی، الزکی عبد الحمید البحریری، عثمان ابن محمد المحمّی، مؤمل ابن محمد بن عبد الواحد، أبو الفضل محمد بن عبید الله الصرام، ابن مظفر، الامام أبو بکر القفال الشاشی، أبو أحمد بن مطرف، أبو محمد ابن زبارة العلوی، أبو عبد الله العصمی، أبو أحمد بن شعیب المزکی، أبو اسحاق ابراهیم بن محمد بن یحیی، ابن أبی درام، ابن القصار الرازی.

د) تصنیفات و آثار: با توجه به اینکه حاکم نیشابوری از شخصیت و قابلیت علمی بالایی برخوردار بوده و استادان بی‌شماری را درک نموده بود، در علوم مختلف آثاری نگاشته است که هر یک از آنها در موضوع خود یکی از بهترین تألیفات هستند. علماء تاریخ و رجال برای حاکم حدود ۱۰۰۰ جزء (کتاب، تصنیف) بر شمرده‌اند و حتی برخی تعداد آنها را ۱۵۰۰ اثر دانسته‌اند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- المستدرک علی الصحیحین ۲- تاریخ نیشابورین ۳- فضائل فاطمه الزهرا ۴- مفاخر الرضا ۵- معرفه علوم الحدیث و...

بررسی محتوای کتاب «فضائل فاطمة الزهراء (علیها السلام)»^۲

کل احادیثی که در این کتاب آمده بالغ بر ۲۳۲ حدیث است که در ۶۵ باب تنظیم شده است، اما در برخی از ابواب احادیثی ذکر شده که هیچ ارتباطی با آن باب ندارد. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۴۲۹ هجری توسط انتشارات دارالفرقان قاهره انتشار یافت. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه ملت ترکیه محفوظ است. در این تحقیق از نسخه چاپ شده توسط انتشارات نشر شاسوسا استفاده شده است. ایشان در این کتاب فقط بذکر احیایی در مورد فضایل حضرت زهرا می‌پردازد و آنها را بدون هیچ توضیحی می‌آورد. تعداد روایاتی که در هر باب ذکر می‌شود متفاوت از هم است، گاهی چندین روایت در یک باب نقل می‌کند و گاهی فقط به ذکر یک روایت اکتفا می‌کند و در اواخر کتاب ابوابی با عناوین روایت‌های اشخاص مختلف از حضرت زهرا می‌آورد مثل: باب

۱. ابن عساکر، تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الامام ابی الحسن الاشعری، ج ۱، ص ۲۲۸. ۲۲۹.

۲. حاکم نیشابوری، فضائل فاطمة الزهراء (علیها السلام)، ترجمه و تحقیق سید علی موسوی و دیگران، کاشان: نشر شاسوسا، ۱۳۸۹.

روایت ثوبان غلام رسول خدا از فاطمه و یا باب روایت ام سلمه همسر پیامبر از سرور زنان فاطمه. نکته مهم اینکه ایشان تمامی احادیث را با سند ذکر می‌کند، لذا می‌توان با بررسی اسناد و اینکه ایشان از چه کسانی روایت نقل می‌کند شخصیت ایشان را شناخت، همچنین دقت در محتوای روایات می‌تواند در نقد و تحلیل کتاب و مصنف آن ما را یاری رساند، لذا مطالبی در قالب چند نکته ارائه می‌گردد ۱- ایشان (کتاب فضائل، صفحه ۳۵) روایتی می‌آورد که بعضی از راویان آن مثل عبدالله بن زبیر و مسور بن مخرمه از دشمنان اهل بیت علیهم السلام هستند ۲- ایشان در (صفحه ۴۶) روایتی نقل می‌کند که از جمله راویان آن هارون الرشید و منصور و مهدی عباسی با لفظ امیرالمؤمنین است و روایت به ابن عباس می‌رسد و مضمون روایت در رابطه با خیرالناس بودن علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام و سیده النساء العالمین بودن حضرت زهرا علیها السلام است ۳- ایشان از عایشه چندین روایت نقل می‌کند و در مضامین بعضی از روایات از او با تعبیر رضی الله عنها یاد می‌کند ۴- ایشان یک روایتی نقل می‌کند که ابتدای سند آن با حدیثی عبدالعزیز بن عبدالملک الاموی شروع می‌شود، روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمودند: ان الله تعالی یغضب لغضبک و یرضی لرضاک ۵- ایشان یک بابی دارند با عنوان: ان ابابکر الصدیق و عمر الفاروق رضی الله عنهم قد کان خطبها الی رسول الله ۶- در نماز خواندن بر حضرت زهرا یک روایتی می‌آورند به این مضمون که ابوبکر جلو ایستاد و علی پشت سرش و بر فاطمه نماز خواند.

در مقابل نکات مثبت بسیاری در کتابشان دیده می‌شود:

۱- ایشان چندین روایت می‌آورد که در سلسله اسناد آن نام ائمه علیهم السلام می‌درخشد مانند روایت ۵ صفحه ۳۹ که سند را از امام رضا علیه السلام به طریق ائمه علیهم السلام به علی علیه السلام می‌رساند لذا همه سند از طریق معصومین است.

۲- حدیثی نقل می‌کنند (صفحه ۴۷) از علی علیه السلام که فرمودند: ..انی لآخو رسول الله صلی الله علیه و آله و وزیر و لقد علمتم انی اولکم ایمانا بالله و برسوله و ابو ولدیه و زوج ابنته سیده نساء العالمین و سید نساء اهل الجنة؛ (اشاره دارد به جانشینی علی علیه السلام و فضیلت ایشان در سبقت ایمان).

۳- روایتی نقل می‌کند که جمیع بن عمیر می‌گوید همراه با عمه ام بر عایشه وارد

شدم، عمه‌ام از عایشه پرسید: من کان احب الناس الی رسول الله ﷺ فقالت: فاطمه قالت فمن الرجال: قالت زوجها.

۴- نکته بسیار مهم، روایتی است که ایشان در مورد اعطاء فدک به حضرت زهرا در جریان نزول آیه «آت ذی القربی حقه» دارد که انتهای سند را به امام حسین علیه السلام می‌رساند که ایشان فرمودند: «لما نزلت "وات ذی القربی حقه: دعا رسول الله ﷺ فاطمه فاعطاها فدک»؛ (که موافق نظر شیعه است که حضرت فدک را در زمان حیاتشان به حضرت زهرا بخشیدند نه اینکه ارث بگذارند).

۵- ایشان دو حدیث می‌آورد یکی از عایشه و دیگری از سعد که اشاره دارد به جریان در زیر عباء قرار گرفتن پنج تن آل‌عباء. چنان که یک بابی دارند با عنوان: ذکر فضیله اخری لفاطمه بنت رسول الله ﷺ (والبیان) أنها من الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا.

۶- ایشان یک بابی دارند که در آن می‌آورند چرا حضرت زهرا به نام فاطمه نام گذاری شد واحادیثی می‌آورند که خدا او و ذریه‌اش را بر آتش حرام کرده است.

۷- یک بابی دارند با این مضمون که می‌گویند ایشان صدیقه نامیده می‌شد و یک احادیثی می‌آورند که ایشان راستگو بوده‌اند؛ از جمله عایشه می‌گوید: خدا فاطمه را رحمت کند بعد از پیامبر خدا، هیچ کس راستگوتر از او یافت نشد.

۸- یک بابی دارند با عنوان «أنها اول من یدخل الجنة بعد رسول الله ﷺ و ابناها معها».

۹- یک بابی دارند با عنوان «ان رسول الله ﷺ حرب لعدوها وسلم لمحبيها».

اهمیت کتاب «فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام» و هدف از تألیف آن

کتاب فضائل فاطمه الزهرا از جمله کتبی است که توسط یکی از علمای اهل سنت در تجلیل از فضائل اهل بیت علیهم السلام نوشته شده است، لذا از اهمیت خاصی در نزدیک کردن آراء اهل سنت به واقعیت برخوردار است و نشان می‌دهد در میان جریان‌هایی که باعنوان اسلام حقیقی بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سعی داشت با کنار گذاشتن اهل بیت علیهم السلام، صحابه را بعنوان جانشینان سیاسی و معنوی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کند می‌توان عالمان منصفی را یافت که برخلاف دیگران به بیان واقعیات پرداخته و پرده‌های

تعصب را کنار زده‌اند. همچنین از زاویه دید تاریخی، از اهمیت زیادی در باره فضای مذهبی خراسان آن دوره بخصوص امیران حاکم که متأثر از نفوذ و تسلط غزنوی‌هاست برخوردار است.

در مقدمه کتاب توضیحی از سوی حاکم نیشابوری آمده است و وی هدف خویش را در نوشتن کتاب می‌گوید:

زمانه ما را گرفتار رهبرانی کرده است که مردم برای تقرب به آنان، به بغض آل‌رسول توسل می‌جویند و این که آنان را کوچک شمارند. هر آن کس که در پی تقرب به حاکمان است، در واقع به چیزی تمسک می‌کند که خداوند این خاندان را از آن منزّه کرده است و آنان در پی انکار فضایل ایشان هستند. خداوند یاری رساند. از او می‌خواهیم که بر محمد و آل او درود فرستد... آنچه سبب شد تا من این کتاب را بنگارم این بود که در محضر شماری از بزرگان از فقها و قاضیان و امانا و زیدگان بودم، در آن محضر یادی از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب شد. یکی از آن برجستگان از فقیهان درباره امام علی علیه السلام گفت: او قرآن را در حفظ نداشت و استناد به سخن شعبی کرد که به این سخن تصریح کرده است. من گفتم: کسی جز او نیست؟ آیا صحابه آگاه تر به این امر از شعبی نیستند که شهادت به حافظ بودن قرآن برای علی بن ابی طالب داده‌اند. این ابو‌عبدالرحمن عبدا... بن حبیب سلمی سید القراء از تابعین است و قرآن را بر ایشان خواند و از او قرائت خاص دارد خود یکی از راویان از عاصم بن بهدله است. آن فقیه گفت: شعبی در این امور از دیگران آگاه تر است.

گفتم: شعبی از علی بن ابی طالب قرآن نشنیده و تنها او را دیده است. بعد هم از روی دنیاخواهی میل به دشمنان علی بن ابی طالب پیدا کرد. همه اینها سبب شد تا بیش‌تر در باطل فرو رود. آن‌گاه در همان مجلس سخن از بنات النبی علیها السلام به میان آمد: زینب و رقیه و ام کلثوم. برخی از آنان گفتند: راویان، این را که آنان فرزندان خدیجه از رسول الله باشند، انکار می‌کنند. من گفتم: آنان دختران او هستند، جز آنکه یاد از فاطمه در روایات بیش‌تر است و فضایل او فزون‌تر.

یکی از کسانی که در گذشته نزد من رفت و آمد داشت و آن زمان ملازمت او با من به خاطر دشمنی با برخی از همین حاضران بود گفت: این محمد بن اسماعیل بخاری

است که در جامع صحیح خود حدیثی از عروۃ بن زبیر از اسامه آورده است که رسول خدا ﷺ فرمود: خیر بناتی زینب. گفتم: این حدیث در کجای جامع بخاری است؟ گفت: در کتاب الفضائل.

آن وقت در حضور جمع خطاب به آنان گفتم: همه می‌دانید که من چهار بار این کتاب را جمع کرده‌ام. یک بار بر اساس رجال از صحابه. سپس آنها را در رقاع آورده‌ام. آن‌گاه بر اساس رجال مهذب ساخته‌ام و سپس مرتب کرده و بر تو املاء کرده‌ام و تو از روی املائی من نوشته‌ای؟ گفت: بلی. گفتم: به خدا سوگند که تاکنون این حدیث را در این کتاب ندیده‌ام.

من برخاسته به کتابخانه رفتم و کتاب الفضائل از کتاب جامع بخاری را آوردم. در بخش فضائل زنان، نامی جز خدیجه و فاطمه و عایشه ندیدم. کتاب را به مجلس آوردم و به کسی که آن روایت را نقل کرده بود دادم. گفتم: این کتاب الفضائل! حدیث اسامه را پیدا کن. من گشتم، اما نیافتم.

او کتاب را گرفته، ورق می‌زد. سپس گفت: شاید در کتابی جز کتاب الفضائل بوده است. من تردید ندارم که این حدیث در این کتاب بوده است. به او گفتم: به خدا سوگند بخاری چنین روایتی را ذکر نکرده است.

زمانی پس از آنکه از آن محفل پراکنده شدیم، من نماز مغرب را خواندم و تا نیمه شب نشستم. آن‌گاه سحر را پشت سر گذاشته (اصحبت سحرا) و تا وقت اقامه نشستم. پس از آنکه از مسجد برگشتم، تا نماز عصر نشستم و کتاب را از اول تا آخر با دقت نگریدم، اما از این حدیث هیچ اثری نیافتم.

یادم آمد که من در رقاعی که برای کتاب الاکلیل ترتیب دادم، فضایل زینب را آورده‌ام. به دنبال آن رفتم. در آن‌جا این حدیث را به خط خودم از یحیی بن ایوب یافتم که در ماجرای که برای زینب دختر پیامبر رخ داد و او به واسطه زید پسر خوانده رسول خدا شبانه به پیامبر پیوست. پیامبر فرمود: هی أفضل بناتی، اصیب فی. او بهترین دختر من است که به خاطر من به زحمت افتاده است.

حاکم می‌گوید: وقتی حدیث را یافتم، دریافتم که حدیث بر اساس شرط بخاری و مسلم درست نیست، زیرا یحیی بن ایوب اگر به تنهایی راوی یک حدیث باشد، آن



روایت قابل اعتنا نخواهد بود بلکه تنها به عنوان شاهد در برخی از موارد قابل اعتناست. در حالی که از اخبار صحیحه ثابته از رسول خدا ﷺ وارد شده است که فرمود: «فاطمة سید نساء أهل الجنة». و «ان فاطمة سید نساء هذه الامة». و همین طور این روایت از رسول خدا ﷺ ثابت است که خطاب به فاطمه فرمود: «انها سید نساء أهل الجنة الا مریم بنت عمران». شبیه این عبارت در میان عرب هست که می‌گویند: «افضل» و مقصودشان «من افضل» است. در آثار من مطالب دیگری هم هست که ما را از ادامه این بحث بی‌نیاز می‌کند. بنابراین، چگونه جایز است که کسی از زنان این امت بر فاطمه برتر باشد؟...

مذهب حاکم نیشابوری

یکی از بحث‌های پیرامون شخصیت حاکم نیشابوری، مذهب اوست. برخی از علمای اهل سنت، حاکم را متهم به رافضی‌گری و شیعه بودن کرده و این موضوع را موجب طعن وی دانسته‌اند. این مسأله به قدری مورد توجه عالمان بوده که حتی آیت‌الله سیدحسن صدر، حاکم را شیعه محسوب نموده و او را اولین نفر در بین شیعه می‌داند که در موضوع علم درایة‌الحدیث کتابی نگاشته است. [با توجه به کتاب معرفة علوم الحدیث حاکم]

از جمله‌ی عالمان اهل سنت که حاکم را متهم به رافضی‌گری و شیعه بودن کرده‌اند می‌توان به اشخاص زیر اشاره نمود:

۱. خطیب بغدادی می‌گوید: «کان ابن‌البیع یمیل إلى التشیع»
۲. ابن طاهر می‌گوید: «حاکم در باطن، شیعه‌ی متعصبی بود، ولی در ظاهر [خلافت خلفاء] اظهار تسنن می‌کرد، او از معاویه منحرف بود و از اظهار آن هیچ ابایی نداشت.»
۳. ذهبی می‌گوید: «هو شیعی مشهور بذلک من غیر تعرض للشیخین.» و همچنین: «الله یحب الانصاف، ما الرجل برافضی، بل شیعی فقط.»

اگر با نظر منصفانه بخواهیم در مورد مذهب حاکم نیشابوری قضاوت کنیم باید گفت که ایشان نه شیعه متعصب است و نه رافضی، با نگاه به کتاب فضائل فاطمة الزهرا چندین نکته منفی بدست می‌آید از جمله اینکه: نه تنها به شیخین متعرض نمی‌شود؛ بلکه با عباراتی احترام آمیز از ایشان تجلیل می‌کند و همچنین ارادت زیادی به عایشه

دارد و چندین روایت از او نقل می‌کند. اگرچه تعدد دارد که از معاویه روایت نقل نکند ولی از بعضی از خلفا روایت نقل می‌کند و از آنها با تعبیر امیرالمؤمنین یاد می‌کند و همچنین بعضی از روایان احادیث او از دشمنان اهل بیت بوده‌اند و نکته اخرا اینکه ایشان در مقدمه کتابشان ادعا می‌کند «همه می‌دانید که من چهار بار این کتاب (جامع صحیح بخاری) را جمع کرده‌ام، یکبار بر اساس رجال از صحابه سپس آنها را در رقاع آورده‌ام، آن گاه بر اساس رجال مذهب ساخته‌ام و سپس مرتب کرده و بر تو - شخص مورد نظرش - املا کرده‌ام»، لذا کسی که یک چنین همتی را گذاشته برای کتاب صحیح بخاری که معلوم نیست چند سال طول کشیده است، نمی‌تواند شیعه متعصب باشد. در مقابل می‌توان گفت که ایشان سنی متعصب نیز نبود، چرا که با نگاه به کتاب فاطمه الزهرا چندین نکته مثبت بدست می‌آید: ایشان در کتاب احادیثی می‌آورد مبنی بر افضلیت فاطمه الزهرا علیها السلام و حتی در مقدمه کتابش با منکرین این مطلب با ذکر احادیثی مقابله می‌کند و این طور نتیجه می‌گیرد که چگونه جایز باشد که کسی از زنان این امت بر فاطمه برتر باشد و همچنین گاهی احادیثی می‌آورد که تمام یا اکثر روایان آن حضرات معصومین علیهم السلام هستند و نکته مهم‌تر اینکه ایشان چند روایت می‌آورند در مورد شأن نزول آیه «و آت ذی القربی حقه» که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فدک را به حضرت زهرا علیها السلام بخشیدند و همچنین روایتی را نقل می‌کند در مورد وزیر بودن علی علیه السلام نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله به صورت صریح‌تر در کتاب مستدرک حدیث «من كنت مولاه فعلى مولاه» را نقل می‌کند، لذا نمی‌توان او را یک سنی متعصب دانست. حتی چنان‌که اشاره شد برخی او را شیعه انگاشته‌اند و این مطالب و موضع‌گیری‌های وی باعث شده برخی کتاب مستدرک او را (که مهم‌ترین تالیفش نیز بشمار می‌رود)، مورد طعن قرار داده و از ارزش واقعی آن بکاهند. در نهایت امر با سبک و سنگین کردن نکات مثبت و منفی بدست آمده از شخصیت حاکم نیشابوری (که البته به برخی در بخش بررسی محتوای کتاب اشاره شد) باید گفت که وی یک شیعه سیاسی عراقی - است که البته بنا بر اصطلاح رجالی اهل سنت، شیعه است. چرا که به شیخین و دستگاه خلافت ارادت دارد از آن طرف به خاطر انصاف و محبتش به ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد.



نتیجه گیری

کتاب فضائل فاطمه الزهرا از جمله کتب نوشته شده توسط یکی از علمای عامه می‌باشد. ایشان در این کتاب احادیث بسیاری منطبق با معتقدات شیعه می‌آورد که حتی اسناد بعضی از آنها مورد قبول و استناد شیعه اثنا عشری می‌باشد. مقدمه‌ای که ایشان بر کتاب نوشته فضای آن موقع را ترسیم می‌کند، همچنین علاقه ایشان به اهل بیت و پیگیریشان را برای رسیدن به حقایق نشان می‌دهد. حاکم نیشابوری برخلاف ادعاها پیرو مذهب اهل سنت بوده و پایبند به مذهب شیخین می‌باشد، اگر چه باید گفت ایشان محب اهل بیت و به عنوان یک شیعه سیاسی است. ما کم‌تر عالمی از علمای عامه سراغ داریم که چنین منصفانه به دفاع از مقام حضرت زهرا برخیزد و احادیثی مانند: فاطمه سیده نساء اهل الجنة ... در کتاب خویش بگنجانند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ذهبی، محمد بن محمد، **تذکره الحفاظ**، بیروت: دارالتراث العربی، {بی تا}
۲. ابن حجر عسقلانی، **لسان المیزان**، حیدرآباد، دکن ۱۳۲۹-۱۳۳۱، چاپ افسس بیروت ۱۳۹۰
۳. ابن خلکان، **وفیات الاعیان وانباء أبناء الزمان**، بی جا، بی نا، بی تا.
۴. ابن عساکر، **تاریخ مدینة دمشق**، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۵-۱۴۲۱/۱۹۹۵-۲۰۰۱
۵. ابن عساکر، **تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الامام ابی الحسن الاشعری**، بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۴.
۶. بشار عواد معروف، **الذهبی و منهجه فی کتابه تاریخ الاسلام**، قاهره ۱۹۷۳
۷. خطیب بغدادی، **تاریخ بغدادی یا تاریخ مدینة السلام**، تحقیق بشار عواد معروف، دارالمغرب الاسلامی، بیروت ۲۰۰۱.
۸. شمس الدین محمد بن محمد ذهبی، **تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام**، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۹. محمد بن محمد ذهبی، **سیر اعلام النبلاء**، چاپ شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت ۱۴۰۱-۱۴۰۹/۱۹۸۱.
۱۰. عبدالوهاب بن علی سبکی، **طبقات الشافعیة الكبرى**، قاهره: محمود محمد طنحی، قاهره، ۱۹۶۴.
۱۱. سمعانی، **الانساب**، تقدیم و تعلیق: عبدالله عمر البارودی، دارالجنان، بیروت ۱۴۰۸ق.
۱۲. صدر، **تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام**، منشورات الاعلمی، طهران {بی تا}.
۱۳. علی بن سلطان محمد قاری، **شرح شرح نخبة الفکر فی مصطلحات اهل الاثر**، چاپ محمد نزار تمیم و هیثم نزار تمیم، بیروت (۱۴۱۵/۱۹۹۴).
۱۴. حاکم نیشابوری، **فضائل فاطمه الزهرا**، ترجمه و تحقیق سید علی موسوی ومجید اقاخانی، کاشان، نشر شاسوسا، چاپ اول ۱۳۸۹.

